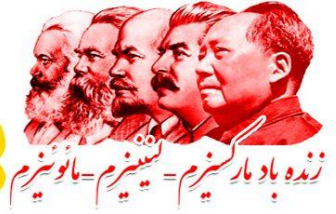




حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



ششمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

با موفقیت برگزار گردید و به کار خود پایان داد.

گزارش مختصر:

پلنوم ششم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به تاریخ ۲۴ میزان سال ۱۴۰۵ خورشیدی تدویر یافت و به تاریخ ۲۵ میزان سال ۱۴۰۵ خورشیدی، موفقانه به کار خود پایان داد.

ابتدا رفقا به خاطر یادبود از درگذشت رفیق ضیاء، (صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان)، رفیق سلیم، رفیق عزیز، رفیق حفیظ (اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب)، رفیق مهمند، رفیق کریم الله، رفیق وثوق، رفیق فرهاد، رفیق ظاهر، رفیق قاسمی و رفقای جانباخته پشه‌ای (اعضای حزب)، به پا خاستند و دو دقیقه سکوت نمودند.

پلنوم با سخنان رفیق ل. رسماً آغاز گردید و بازگشت مسئولانه رفیق جرئت را در ابتداء چنین مطرح نمود:

رفیق جرئت پس از شش سال کناره گیری، با نگاهی مسئولانه به تجربه‌های تلخ گذشته و با درک اهمیت وحدت و همبستگی صفوف حزب، بار دیگر به جمع رفقای خود بازگشته است. وی با ارائه تعهد کتبی، اراده و آمادگی خویش را برای ادامه صادقانه، مسئولانه و بدون دغدغه وظایف حزبی اعلام داشته است. ما این بازگشت را گامی در جهت تقویت روحیه رفاقت، همبستگی و همکاری مشترک دانسته و برای رفیق جرئت که از دامنه حلقه تنگ انحلال طلبان بطور آگاهانه کناره گیری و دوباره به حزب بازگشته است، در ادامه راه، موفقیت و استواری آرزو می‌کنیم.

سپس، یکی از رفقای عضو دفتر سیاسی، گزارش فعالیت‌های یک ساله دفتر سیاسی را به پلنوم ارائه کرد. به تعقیب آن، مسئولین کمیته‌های منطقه‌ای نیز گزارش‌های فعالیت‌های کمیته‌های مربوطه خویش را به پلنوم ارائه کردند.

پس از استماع گزارشات روی اجندای جلسه به ترتیب ذیل بحث و تبادل نظر صورت گرفت:

۱- مسایل تشکیلاتی و انضباط حزبی

۲- کمیته های منطقه‌ای

۳- مسایل مالی

۴- کادرها

۵- مسایل نشراتی

۶- و مسایل زنان

در پایان پلنوم، مسایل فوق به اتفاق آرا به تصویب رسید و رهنمودهای اساسی ارائه گردید. همچنان، از بازگشت مجدد رفیق جرئت به حزب، بار دیگر تمجید به عمل آمد.

امروز ششمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی را با حضور داشت تمامی رفقا به استثنای رفیق صبور دایر می‌نمائیم. خوشحالیم که در این پلنوم رفیق جرأت را با خود داریم. در این پلنوم باید بیش از همه به مسایل تشکیلاتی حزب عطف توجه نمائیم. زیرا از زمان اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم تا کنون که اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیسم امریکا کشور ما را به انقیاد خود در آورد، و طالبان را با یک توافقنامه تحمیلی به عنوان دست نشاندۀ خود بر اریکه قدرت رسانده است. به خوبی مشاهده می‌کنیم که کشور از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی راه انحطاط را پیموده و افکار ناسالم بیش از همه رشد کرده است. در چنین شرایطی نباید حزب را از محیط افرادی که بر آن احاطه دارد خارج دانست. حزب ما در محیط و شرایطی که بر او احاطه دارد زندگی می‌نماید و عمل می‌کند. جای تعجب نخواهد بود که افکار ناسالم از خارج حزب به درون آن رخنه نماید.

ما شاهد زندۀ رخنه نمودن افکار ناسالم در درون حزب در زمان حیات رفیق ضیا هم بودیم. این افکار ناسالم از بیرون حزب، ملیار و زلاند را نشانه گرفت، نامه‌های رفیق ضیاء به ملیار، یاسین و در مورد زلاند بیانگر این مدعا است. زلاند از حزب اخراج گردید. از یک سو حرکات انحرافی ملیار و از سوی دیگر حاضر نشدن وی به پلنوم برای پاسخ گویی به حرکات انحرافی اش باعث آن شد که ملیار از عضویت علی‌البدل کمیته مرکزی اخراج گردد. گرچه زلاند با یک توبه نامه بعد از سه سال اخراج دوباره به حزب برگشت و از عملکردهای خود اظهار ندامت نمود، اما مشخص شد که او هرگز با عملکردهای انحرافی اش تصفیه حساب نکرده بود.

بعد از در گذشت رفیق ضیاء خط انحلال طلبانه از درون حزب به رهبری ملیار - زلاند سر بلند نمود. و تا آن جا پیش رفت که آگاهانه و یا نا آگاهانه در بحث‌ها شان رویزونیسم «سنتز نوین آواکیان» به صورت عریان مشاهده گردید که حزب علیه آن به مبارزه برخاست و این رویزونیسم را افشاء نمود. به تعقیب این سلسله گفتارها، آنها به این بحث دامن زدند که «**برنامه و ایدئولوژی طالبان با برنامه و ایدئولوژی امپریالیسم امریکا در تضاد قرار دارد**». با این بحث شان حزب ما نیز به مبارزه برخاست و صریحاً بیان کرد که این استدلال به معنای آن است که امپریالیسم در مقابل فئودالیزم قرار دارد و برای سرنگونی آن مبارزه می‌کند! حزب ما با بیان این مطلب که امپریالیسم با فئودالیزم به منظور سرنگونی آن مبارزه نمی‌کند، بلکه آن‌ها را در قدرت شریک می‌سازد و از این طریق آن‌ها را استحاله می‌نماید، علیه این خط انحرافی به مبارزه برخاست. در شرایط کنونی فئودالیزم ستون فقرات امپریالیسم می‌باشد و امپریالیسم ناگزیر از بقایای فئودالیزم حمایت می‌نماید. اما این بحث انحرافی انحلال طلبان روی بعضی از رفقای ما اثر گذاشت و تحت تأثیر بحث انحلال طلبان قرار گرفتند. و همین بحث تا حدودی در حزب نیز جنجال بر انگیز شد.

در شرایط کنونی در افغانستان مستعمره - نیمه فئودال، زمینه رشد افکار ناسالم بسیار زیاد است و امکان رشد آن بسیار سریع است. حزب ما نه تنها در شرایط بیمار کننده روبرو است بلکه با دشمنان آشتی ناپذیر، اپورتونیست‌های رنگارنگ رویونیست‌ها، تسلیم‌شدگان و تسلیم طلبان نیز روبرو می‌باشد. این افکار ناسالم از این طریق نیز ممکن است به حزب ما سرایت کند. باید رفقا جداً متوجه این امر باشند. در چنین شرایطی سطح معلومات اکثریت رفقای حزب ما از نقطه نظر تیوری آن قدر بالا نیست، کادرهای رهبری در کار ایدئولوژیک - سیاسی در درون صفوف سستی به خرج می‌دهند، در چنین صورتی بخواهی نخواهی در ذهن اغلب اعضای حزب، ایدئولوژی‌های ناسالم زمینه مساعد برای رشد و نمو پیدا می‌کند. بر این اساس است که مبارزه ایدئولوژیک در درون حزب حتمی و ضروری است و هرچه جدی‌تر باید آن را به پیش برد. زیرا اگر مبارزه درون حزبی از نظر بیافتد افکار و عقاید ناسالم بر اکثریت رفقای ما سرایت نموده و نظریات غلط و نادرست در حزب غلبه پیدا می‌کند و نتیجه این می‌شود که حزب خلع سلاح گردیده یا به طرف تسلیم طلبی سوق نماید و یا این که نیرویش پراکنده گردد و از هم بپاشد؛ به همین دلیل است که اساسنامه حزب ما در فصل اول - خصلت طبقاتی حزب روی مبارزه دو خط و در فصل دوم - آئین نامه تشکیلاتی - بخش اول - اصول تشکیلاتی - جزء (ج) روی انتقاد و انتقاد از خود تاکید به عمل آورده است.

رفقا!

حزب ما ششمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی خود را امروز جمعه مورخ ۲۴ میزان ۱۴۰۵ خورشیدی دایر می‌نماید. در این جلسه ابتدا یکی از رفقای دفتر سیاسی گزارش یک سالۀ دفتر را ارائه می‌نماید و به تعقیب آن کمیته‌های منطقوی گزارشات یک سالۀ خود را نیز به سمع رفقا خواهند رساند.

هرگاه در مورد گزارشات کدام سوال و یا بحثی ضرورت افتد، آن مسایل را بررسی نموده و بعد روی اجندای جلسه به ترتیب ذیل مکث خواهیم کرد:

۱- مسایل تشکیلاتی و انضباط حزبی،

۲- کمیته‌های منطقوی،

۳- مسایل مالی،

۴- کادرها

۵- مسایل نشراتی

۶- و مسایل زنان

زیرا ما در این زمینه با مشکلات عدیده رو به رو هستیم، برای بیرون رفت از این معضل از رفقا تقاضا می‌گردد که عمیقاً روی مسایل فوق الذکر عطف توجه نموده و راه حل درست و اصولی را ارائه بدارند. هرگاه ما بتوانیم راه حل درست و اصولی در این جلسه ارائه نمائیم و برای تطبیق فیصله‌های پلنوم جداً کوشا باشیم با جرأت می‌توان گفت که از تمام مشکلات و موانع عبور خواهیم نمود، در غیر این صورت نه تنها نمی‌توانیم گامی به جلو گذاریم، بلکه عقب خواهیم رفت. ما تمامی بحث‌ها و تبادل نظرها را در نشریه درون حزبی نشر می‌نمائیم و تا آنجا که اصول حزب به ما اجازه دهد صورت جلسه و مسائل قابل نشر را در شعله جاوید (ارگان نشراتی حزب) به دست نشر خواهیم سپرد.

اینک گزارش کتبی یکساله دفتر سیاسی توسط رفیق عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به سمع رفقا رسانیده می‌شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با تشکر از رفیق، اینک روی اجندای جلسه به ترتیب ذیل مکث خواهیم کرد:

۱- در مورد تشکیلاتی:

سیستم تشکیلاتی هر حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) دارای دو اصل تشکیلاتی است:

- الف - سانترالیزم دموکراتیک و انضباط حزبی.
- ب - پیوند رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار.

الف - در مورد انضباط حزبی

انضباط حزبی چیست؟

انضباط حزبی از دید مائوتسه دون چنین است:

« مرکزیت دموکراتیک ما به معنی وحدت دموکراسی و مرکزیت، وحدت آزادی و انضباط است. » (مائوتسه دون - درباره حل صحیح تضادهای درون خلق)

بحث مائوتسه دون به این معنا است که برای اعمال دموکراسی، آزادی و برای اعمال سانترالیزم، انضباط الزامی و ضروری است. هرگاه رفیقی انضباط حزبی را نقض نماید به این معنا است که سانترالیزم را قبول ندارد. مراعات نمودن انضباط حزبی یکی از شرایط عضویت در حزب است. مائوتسه دون روی چهار نکته به عنوان انضباط حزبی تأکید ورزیده است: « ۱ - تابعیت فرد از تشکیلات. ۲ - تابعیت اقلیت از اکثریت. ۳ - تابعیت ارگان‌های پائینی از ارگان‌های بالایی. ۴ - تابعیت تمام اعضای حزب از کمیته مرکزی. کسی که این چهار ماده انضباطی را نقض کند، وحدت حزب را مختل کرده است. » (نقش حزب کمونیست در جنگ ملی)

روی این موضوع در ماده اول آئین نامه تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نیز تأکید به عمل آمده است. متأسفانه که بعضی از رفقای ما نه یک بار بلکه چندین بار انضباط حزبی را نقض نموده اند.

رفقا باید دقیق درک کنند که نفی هر یک از ماده های فوق الذکر به معنای نفی سانترا لیزم در درون حزب است که منجر به انارشیزم در درون حزب می گردد.

ما در طول دوران حیات حزب گاه و بی گاه شاهد بی انضباطی و حرکات خود سرانه در درون حزب بوده ایم. این حرکات خود سرانه و نفی مواد چهار گانه بعد از در گذشت رفیق ضیاء به خوبی مشاهده گردید. بعد از این که رفیق ضیاء بدرود حیات گفت، انحلال طلبی از درون حزب سر بلند نمود، علت اساسی انحلال طلبی در درون حزب عدم رعایت چهار نکته فوق الذکر بود. انحلال طلبان حتی بدون تدویر یک جلسه با کمیته مرکزی بیرق انحلال طلبی خود را بلند نمودند. زیرا به خوبی آگاه بودند که هر گاه جلسه حزبی را برقرار نمایند به اقلیت می مانند. بناءً اصول مائوئیستی را زیر پا نمودند و انحلال طلبی را پیشه کردند. رفقا به خوبی شاهد اند که انحلال طلبان همین اکنون از نفس افتاده و علناً به نفع بورژوازی تبلیغ می نمایند.

تبعیت اقلیت از اکثریت یکی از مبانی انضباط حزبی است. زمانی که نظریه اقلیت رد می گردد، اقلیت موظف است که از تصمیم اکثریت حمایت نماید. اقلیت حق دارد تا خواهان جلسات حزبی برای بحث روی مسایل اختلافی گردد، اما مجاز نیست عملی مغایر تصمیم اکثریت انجام دهد. این مطلب در ماده پنجم آئین نامه تشکیلاتی به طور شفاف و مفصل توضیح داده شده است.

همین حالا نیز کم و بیش این خود سری ها در درون حزب مشاهده می گردد. بعضی و فقط بعضی از رفقا با حرکات خود سرانه موجب نقض انضباط حزبی می گردند. گر چه رفقا به خوبی می دانند که آئین نامه تشکیلاتی حزب ارتباط گیری به صورت افقی را ممنوع نموده با آن هم این روابط افقی را به نحوی تامین میکنند. این حرکت نه تنها مشکل آفرین بوده، بلکه باعث دلسردی بعضی از رفقا گردیده، این دلسردی تا آن جا پیش رفته که حتی بعضی رفقا دیگر در جلسات حزبی شرکت نکنند.

مشی عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر سانترا لیزم دموکراتیک که در آن سانترا لیزم عمده است تأکید می ورزد. یعنی اعضا آزادند قبل از تصمیم گیری بحث کنند، اما وقتی تصمیم جمعی گرفته شد، همه باید بدون تردید آن را اجرا کنند. چرا این بحث مهم است؟ زیرا این اصل، یک اصل مائوئیستی است و بدون انضباط، تشکیلات عملاً فرو می پاشد. صدر مائو می گفت: «بدون انضباط آهنین، ارتش سرخ نمی تواند حتی یک روز دوام بیاورد.» به زبان ساده تر، برای یک حزب مائوئیستی، انضباط حزبی همان ستون فقرات حزب است: بدون آن، سازمان به سرعت متلاشی یا بی اثر می شود، و با آن، حتی در شرایط سخت می تواند دوام بیاورد و پیشروی کند.

متاسفانه حزب ما در طول مدت بین دو پلنوم گذشته، و نظر به گزارش واحدهای منطقوی، شاهد نقض انضباط حزبی توسط بعضی از رفقا بوده است، که باید اصلاح گردد و در غیر آن حزب با ضربات جبران ناپذیر مواجه خواهد گردید. نقض انضباط حزبی بدین مفهوم است که فیصله های به عمل آمده توسط حزب را یا اصلاً اجراء نکنیم و یا اینکه اهمیتی بدان قایل نشویم و یا اگر اجراء کنیم بطور ناقص اجرا نماییم که این خود به قول صدر مائوتسه دون « نشانه ای از پوچیزم » است و « منشأ اجتماعی پوچیزم عبارت از پیوند ایدئولوژی لومین پرولتاریا با ایدئولوژی خرده بورژوازی است. » (مائو تسه دون - در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب)

فیصله:

برای این که رفقا بتوانند به صورت درست انضباط حزبی را رعایت نمایند باید هرچه جدی تر تلاش نمایند تا معرفت سیاسی خود را بالا برند.

ب - پیوند رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار:

هر حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) در رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار رشد نموده و گسترش می یابد.

رهبری جمعی و مسئولیت فردی چیست؟

برای بسیاری از رفقای ما تا کنون مسأله مسئولیت فردی روشن نیست. و این رفقا فکر می کنند که فرد نقشی در رهبری ندارد و همه کارها باید از طریق رهبری جمعی پیش برود. اصل رهبری جمعی در پیاده کردن مشی توده ای در حزب است که بطریق تشکیلات کمیته ای از آن استفاده می شود. بنا بقول مائوتسه دون:

« سیستم کمیته حزبی، سیستم حزبی مهمی است برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از هر فردی که بخواهد رتق و فتق امور را به انحصار خود در آورد. » (منتخب آثار - جلد چهارم - صفحه ۳۸۹)

در تمام سطوح حزب از بالا تا پایین باید که سیستم کمیته‌های حزبی یعنی شیوه رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار اعمال گردد. هر مسئله‌ای که در هر یک از مناطق ایجاد می‌شود (البته مسایل مهم نه جزئی) باید فوراً از طریق کمیته حزبی جلسات فرا خوانده شود و بعد از بحث همه جانبه تصمیم واحد اتخاذ گردد و بعد واحد مربوطه آن را به مرحله اجرا در آورد.

«بعلاوه باید توجه داشت تا بیش از اندازه نه به رهبری جمعی بزبان مسئولیت فردی و نه به مسئولیت فردی بزبان رهبری جمعی تکیه شود» (مائوتسه‌دون همان جا - صفحه ۳۹۰ - ۳۹۱)

مسئولیت فردی بدین معناست که در راس هر یک از واحدهای حزبی باید یک نفر قرار داشته باشد. یعنی در کمیته مرکزی و کمیته‌های منطقه‌ای باید یک نفر در راس قرار گیرد. در اخیر هر جلسه نتیجه گیری بحث‌ها بدوش فردی که در راس قرار دارد، می‌باشد. و «در برخی شرایط که تصمیمات فوری نیاز است، مسئول کل واحد یا بخش مربوطه می‌تواند تصمیمات فوری اتخاذ نماید.» (مائوتسه‌دون - ساختمان حزب - صفحه ۳۹)

هرگاه رهبری جمعی در کمیته مرکزی از حدود تقسیم کار تجاوز نماید و مسئولیت فردی را نادیده بگیرد، در آن صورت عدم احساس مسئولیت در حزب تبارز می‌کند و هیچ رفیقی حاضر نیست که وظایفش را بطور درست و اصولی پیش ببرد. همه منتظر آنند تا در هر کار کوچک و بزرگ در بالا تصمیم گرفته شود. همین مسأله اساسی است که در ظرف تقریباً ۵ نیم سال گذشته یعنی بعد از سومین کنگره سرتاسری حزبی سیستم گزارش‌دهی و گزارش‌گیری در حزب مختل گردیده و رفقا در اجرای وظایفی که به آن‌ها سپرده شده تعلل می‌ورزند. ...

شیوه رهبری جمعی در حزب برای رسیدن به یک تصمیم واحد حزبی و اجرای تصمیم اتخاذ شده می‌باشد. در رهبری جمعی باید به نظرات مختلف، انتقاد و انتقاد از خود توجه لازم را مبذول داشت. باید در هر جلسه رفقا تشویق شوند تا نظرات خود را ولو مخالف نظرات اکثریت باشد ابراز نمایند تا در تصمیمات اتخاذ شده هیچ گونه ابهامی وجود نداشته باشد. در برخی مواقع ممکن نظر اقلیت درست باشد.

بخش اول آئین نامه تشکیلاتی (اصول تشکیلاتی)، جزء ب، ماده دوم رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم کار به طور واضح و روشن تشریح شده است:

«رهبری جمعی در حزب، برای آنست تا فرد نتواند رتق و فتق امور حزبی را در انحصار خود بگیرد. زمانی که مسئله مهمی پیش می‌آید، برای رسیدن به یک تصمیم باید جلسه دایر شود تا تمامی اعضا بطور صریح و روشن نظرات شان را مطرح نمایند، یا عبارت دیگر رهبری جمعی درباره تصمیم گرفته شده نباید مانع نظرات اقلیت گردد، بل که در جلسات رفقا را تشویق نمایند تا درباره تصمیم اتخاذ شده نظرات شان را ارائه نمایند، زیرا در بعضی مواقع ممکن است نظرات اقلیت درست باشد. در چنین حالتی است که در تصمیم‌گیری هیچ گونه ابهامی باقی نمی‌ماند.

اصل رهبری جمعی برپایه کار برد "مشی توده‌ای" در رهبری است که برای پیاده نمودن مشی توده‌ای از شکل سیستم تشکیلاتی کمیته‌ای در حزب استفاده می‌شود.

سیستم کمیته حزبی برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از به انحصار گرفتن امور حزبی توسط یک فرد می‌باشد، سیستم کمیته حزبی مهم است که باید در تمام سطوح هیئت‌های رهبری و بدنه تشکیلاتی حزب اجرا شود.

رهبری جمعی در کمیته مرکزی و دیگر کمیته‌های حزبی نباید از حدود تقسیم کار تجاوز کند و به مسئولیت فردی لطمه وارد آورد. بدون تقسیم کار و مسئولیت فردی تصمیمات اتخاذ شده در حقیقت مجموع نظرات و تجربیات حزبی نبوده، بل که مجموع نظرات و تصمیم یک یا دو فردی است که شکل فرمالیته را بخود گرفته و عدم احساس مسئولیت را در حزب بار می‌آورد، و کارها در حزب بخوبی پیش نمی‌رود. چنین شیوه رهبری، شیوه‌های بروکراتیک است که به حزب زیان می‌رساند.

مسئولیت فردی در صورت فقدان رهبری جمعی مکرر و مرتب به اشتباهات جدی دچار می‌گردد. بدون رهبری جمعی هیچ‌گاه نمی‌توان در حزب هم‌گونی ایجاد نمود و اختلاف نظر را حل ساخت. رهبری جمعی هیچ‌گاه بر اختلاف نظرها سرپوش نمی‌گذارد، بل که تلاش می‌نماید تا راه حل مناسبی به آن پیدا کند. یعنی هر مسئله مهمی که پیش آید فوراً جلسه‌ای فراخوانده می‌شود و بصورت جمعی حل می‌گردد، و در ضمن فرد نیز نقش خود را در محدوده وظایف محوله مطابق با قوانین جمعی درک و ایفا می‌کند.» (ضمایم آئین

نامه حزب)

۲- در مورد کمیته‌های منطقه:

کمیته‌های منطقه‌ای حزبی در حقیقت نماینده کمیته مرکزی و هدایت کننده فعالیت‌های تیوریکی و پراتیکی حزب در منطقه اند، لذا کمیته‌ها مکلف اند تا فیصله‌های کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را عملی نمایند. یعنی کمیته‌های منطقوی باید که تمام فعالیت‌های شان را تحت رهبری کمیته مرکزی حزب فعالانه هدایت نمایند، و گزارشات کاری شان را منظمأ به دفتر سیاسی ارسال کنند.

طبق اساسنامه و آئین نامه تشکیلاتی حزب، سطوح مختلف رهبری حزب و سطوح مختلف تشکیلاتی حزب باید به سطوح بالاتر رهبری و تشکیلاتی حزب گزارشات خود را به طور منظم ارائه کنند. هرگاه این کار به طور منظم و به وقت معین صورت نگیرد به هیچ وجه دفتر سیاسی نمی تواند رهنمودهای لازم را به سطوح مختلف رهبری تشکیلاتی ارائه نماید. این خود زمینه ساز هرج و مرج و پاسیفیزم در حزب می گردد. ما این تجربه را به خوبی در سال های گذشته مشاهده نمودیم. عدم گزارش دهی در مورد خراب کاری های زلاند باعث آن گردید که به حزب ضربات پی در پی وارد گردد؛ چنانچه رفیق ضیاء این ضربه را خطرناکتر از ضربه اشغال گران امپریالیست و رژیم پوشالی توصیف نموده است. این تجارب تلخ نباید دیگر تکرار گردد.

بناءً ضروری است که کمیته های منطقه گزارشات دو ماهه واحدهای حزبی منطقه‌یی شان را به صورت منظم در اختیار دفتر سیاسی قرار دهند؛ تا رهنمودهای لازمه مرتبط به این گزارشات را توسط دفتر سیاسی منظمأ در یافت نمایند.

بناءً موضوع گزارش گیری و گزارش دهی منظم در حزب یک موضوع مرگ و زندگی است؛ رفقا باید جداً تلاش نمایند که چنین سیستمی را در حزب به وجود آورده و بطور روزافزون استحکام بخشند.

فیصله:

پلنوم ششم دور سوم کمیته مرکزی بعد از جر و بحث روی موثر ساختن کمیته‌های منطقه‌ای به این فیصله رسید:

- ۱- برای این که کمیته‌های منطقه فعال گردند، در قدم اول باید فعال ترین کادرهای حزب در کمیته منطقه گرد آیند.
- ۲- کمیته‌های منطقه‌ای در پهلوی اینکه هدایت کننده فعالیت‌های حزب در مناطق اند باید به آموزش مائوئیستی توجه کافی بنمایند.
- ۳- رفقا و به خصوص رفقای کمیته‌های منطقوی مکلف اند تا وضعیت بی حالی را برهم زنند، درست و اصولی کارهای خود را پیش برند و هر گاه انتقادی دارند به طور درست، منظم و اصولی منحث یک مائوئیست آن را در کمیته مطرح نمایند. رفقا باید متوجه باشند که به هیچ وجه خلاف اصول مائوئیستی از خود حرکتی نشان ندهند.
- ۴- رفقا باید حداقل "لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان"، "انتی دورینگ"، "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"؛ "نقد برنامه گوتا"، "کاپیتال"، "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"، "چه باید کرد" - "یک گام به پیش دو گام به پس" - "امپریالیزم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" - "دولت و انقلاب"، "حق ملل در تعیین سرنوشت"، ماتریالیزم دیالکتیک و تاریخی، "نقدی بر اقتصاد شوروی"، "چهار رساله فلسفی" و "دموکراسی نوین"، "نمونه های از دیالکتیک" و ... را مطالعه کنند. همچنان ضرورت است که رفقای ما سند "زنده باد مارکسیزم - لینینیزم - مائوئیزم" را نیز مطالعه نمایند. مطالعه چنین اسنادی ما را کمک می کند که تکاملات مارکسیزم را به مارکسیزم - لینینیزم و هم چنین تکاملات مارکسیزم - لینینیزم - مائوئیزم بهتر و دقیق تر درک نمائیم.
- ۵- برنامه آموزشی که از طرف یکی از رفقای کمیته مرکزی تهیه گردیده بعد از مطالعه دفتر سیاسی به دسترس کمیته‌های منطقه قرار خواهد گرفت و رفقا می توانند برای ارتقاء سطح تئوریک خویش از برنامه آموزشی استفاده نمایند.

۳- در مورد مسایل مالی:

ما در کنگره دور سوم کمیته مرکزی و حتی هر پلنوم روی مسایل مالی مکث نمودیم و رفقا فیصله‌هایی به عمل آوردند، متأسفانه که بسیاری از فیصله ها روی کاغذ باقی مانده است. علت آن در کجاست؟ علت در کمیته مرکزی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یگانه حزب سیاسی در افغانستان است که از لحاظ مالی متکی به خود می‌باشد، یا به عبارت دیگر حزب ما از لحاظ مالی متکی به حق العضویت و کمک‌های مالی اعضا و هواداران حزب است.

«حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از کنگره اول حزب تا کنون سیاست اتکاء مالی به منابع امپریالیستی و ارتجاعی خارجی و داخلی را در تناقض با استقلال ایدئولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی حزب دانسته و علیه آن به عنوان یک انحراف عمیق ایدئولوژیک - سیاسی مبارزه نموده و می‌نماید، و آن را برنامه‌یی ساخت، و هیچ گونه توجیه چنین سیاستی را حتی به مثابه اقدامات تاکتیکی ضروری نپذیرفته و نمی‌پذیرد.»

وقتی رفقا حق العضویت های خویش را به موقع نپردازند و یا غیر منظم پرداخت نمایند، حزب به مشکلات مالی دچار می‌گردد. رفقا به خوبی می‌دانند که بسیاری از رفقا یا حق العضویت خویش را پرداخت نمی‌کنند و یا به صورت غیر منظم و ناکافی پرداخت می‌نمایند. به همین علت است که مشکلات مالی حزب نه تنها پا بر جا باقی مانده، بلکه وضعیت مالی حزب نسبت به ۵ و نیم سال قبل خرابتر گردیده است. علت آنست که حتی بعضی از رفقای کمیته مرکزی به این مرض دچار گردیده اند. وقتی کسی و یا کسانی از کمیته مرکزی ناقض فیصله‌های پلنوم باشد، از بقیه اعضا حزب چه انتظاری می‌توان داشت. تا زمانی که کمیته مرکزی این قدر بی توجه به مسایل مالی و حق العضویت ها و اجرای فیصله های پلنوم کمیته مرکزی باشد، ما نمی‌توانیم حزب را از این وضعیت رقت انگیز نجات دهیم. این وضعیت برای یک حزب کمونیست (مائوئیست) مایه مباحثات نیست. رفقا به خوبی می‌دانند که عدم پرداخت حق العضویت‌ها و یا پرداخت ناکافی و غیر منظم حق العضویت‌ها، حزب را به درجات مختلف در مضیقۀ مالی قرار می‌دهد و اجرای برنامه‌های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می‌سازد. در گزارش به سومین کنگره سرتاسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان چنین می‌خوانیم:

« یکی دیگر از مشکلاتی که فراروی حزب ما قرار دارد، مشکلات مالی است. حزب ما از لحاظ مالی شدیداً در مضیقۀ قرار دارد و تمامی عرصه‌های مبارزاتی حزب از لحاظ مالی، کاملاً با مشکلات فراوانی مواجه است. وقتی یک حزب معتقد به استراتژی مبارزاتی جنگ خلق این چنین با مشکلات مالی شدیدی مواجه باشد، پس برای طرح مشکلات مالی در عرصه فعالیت‌های مشخص تدارکی نظامی جای بحثی نمی‌تواند وجود داشته باشد. »

پرداخت حق العضویت یکی از شروط اولیه عضویت هر فرد در حزب است. هر گاه به این اصل آئین نامۀ تشکیلاتی توجه نکنند در حقیقت شرط اولیه مذکور را به درجات مختلف خدشه دار ساخته و به انضباط حزبی زیان می‌رسانند. در آئین نامۀ تشکیلاتی چنین می‌خوانیم:

«ماده سی و سوم: اعضای حزب شامل اعضای تمام وقت و نیمه وقت می‌باشند. اعضای تمام وقت حزب عهده‌دار پرداخت حق العضویت نیستند، در حالی که تمامی اعضای نیمه وقت حزب باید حداقل ۱۰٪ از عواید ماهوار خود را بطور منظم به عنوان حق العضویت به حزب بپردازند. علاوه بر رفقای که عواید نسبتاً بالایی دارند، تشویق می‌شوند که علاوه از پرداخت حق العضویت، کمک های مالی اضافی نیز به حزب برسانند.

ماده سی ام: هر کارگر، دهقان بی زمین، دهقان فقیر یا هر عنصر انقلابی دیگر که اساسنامه حزب را بپذیرد، به یکی از سازمان های حزب بپیوندد و در آن فعالانه کار نماید، تصمیمات حزبی را اجراء نماید، انضباط حزبی را رعایت کند، در جلسات حزبی منظم شرکت نماید و به صورت منظم حق العضویت بپردازد، می‌تواند عضویت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را حاصل نماید.

ماده چهلیم: هرگاه عضو حزب سه بار بصورت پیهیم حق العضویت ماهانه اش را نپردازد یا سه بار بصورت پیهیم، بدون عذر معقول در جلسات حزبی شرکت نکند، مشمول اقدامات انضباطی می‌گردد.»

رفقا به خوبی می‌دانند که نشرات حزب و زندگی رفقای حرفه‌ای به همین حق العضویت‌ها ارتباط دارد. عدم پرداخت حق العضویت و یا پرداخت ناکافی آن، حزب را به مشکلات رو به رو می‌کند. وقتی حزب به مشکلات رو به رو گردید زندگی رفقای حرفه‌ای نیز به مشکل رو به رو می‌شود. زیرا رفقای حرفه‌ای جز کار حزب نباید کار دیگری داشته باشد.

«ما باید مراقب باشیم که او [فرد حرفه‌ای] با پول حزب گذران کند، بتواند به موقع به حالت غیر علنی به خود بگیرد، محل فعالیت‌های خویش را تغییر دهد.» (مجموعه آثار لنین - جلد اول - ترجمه: محمد پورهرمزبان - صفحه ۲۱۹)

فیصله: تمام کمیته های منطقوی مانند کمیته هفتم قوس مکلف اند که کمیته مالی خود را تشکیل دهند و تا آن اندازه که ممکن است قروض گذشته را پرداخت نمایند و از اول امسال حق العضویت های خویش را مرتب پرداخت کنند. عواید و مصارف کمیته ها باید کاملاً شفاف باشد.

۴ - مساله کادرها :

کادرها برای رهبری، تحکیم و گسترش حزب نقش اساسی دارند. تنظیم ترکیب اعضای حزب تنها با گرفتن حلقه آنهم در هفته یکبار، یگانه وسیله برای تحکیم و گسترش حزب نیست، بلکه وسیله دقیق تر بکار انداختن شان در زمینه های تبلیغ، ترویج و تحقیقات پژوهشی به وضع عینی اجتماعی است. در چنین صورتی است که میتوان به پرورش اساسی کادر ها پرداخت، و در جریان عمل آن ها را به درجات بالا تر انتصاب نمود.

حزب ما دارای یک خط مشی سیاسی صحیح است، اما از خط مشی سیاسی صحیح به تنهایی کاری ساخته نیست. خط مشی سیاسی باید در عمل پیاده گردد. پیاده نمودن خط مشی سیاسی فقط توسط کادرهای ورزیده امکان پذیر است. حزب ما نیاز جدی به کادرهای ورزیده دارد. لذا ما باید

برای تربیت کادرها اهتمام جدی به خرج دهیم. علت اساسی که بعضی رفقا به این کار توجه جدی ندارند این است که آنها تا حدودی منفعل شده اند.

یکی از مهمترین موفقیت های حزب در این است که نه تنها توجه خود را به کادرهای سابق یا کادرهای جدید معطوف دارد، بلکه باید توأم نمودن کارکنان پیر و جوان را از مقام های پایین تا بالا موفقانه انجام دهد و کادرهای جوان را جسورانه و به موقع به مقامات رهبری ترفیع برگزیند. ناگفته نماند که این کار با درنظر داشت افراد لایق، فعال، پژوهشگر و محقق باید صورت گیرد نه بر روی سلیقه های شخصی. این حالت زمانی امکان پذیر است که کادرهای رهبری، گذشته را با دید انتقادی بررسی نمایند و فعالانه در جنبش های عملی شرکت جویند و بقیه رفقا را نیز در چنین مسیری قرار دهند. در چنین حالتی است که کادرها ورزیده می شوند.

هر گاه رفقا به این امر توجه نکنند باید بدانند که سرنوشت حزب ما هم به سرنوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهد شد. این وضعیت در گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب مورد بررسی قرار گرفت و از بی توجهی رفقا در این مورد اظهار نگرانی صورت گرفت. با کمال تأسف که این نگرانی تا کنون ادامه دارد. لذا ضروری است که رفقا به تربیه کادرها جداً عطف توجه نمایند.

فیصله: تمام کمیته های منطقه ای مکلف اند برای تربیه کادرها، به ویژه کادرهای جوان، برنامه های منظم و عملی تدوین و اجرا نمایند. رشد و ارتقای کادرها باید بر اساس شایستگی، توانایی عملی و تعهد تشکیلاتی صورت گیرد. کادرهای رهبری موظف اند با بررسی انتقادی تجارب گذشته و پیوند میان کادرهای سابقه و جوان، زمینه پرورش کادرهای جدید و رفع روحیه انفعال را فراهم سازند. تمامی کمیته ها مکلف اند گزارش اقدامات و نتایج کار خویش را به کمیته مرکزی ارائه نمایند.

۵ - در مورد نشریات:

یکی از عرصه های مهم مبارزاتی حزب برای تبلیغ و ترویج و سازمان دهی صفوف حزب و توده های پیشرو در شرایط کنونی فعالیت های نشراتی حزب تشکیل می دهد. به این نکته باید عطف توجه نمود که از دید برنامه حزب، نقش جنگ و مبارزه مسلحانه در تبلیغ و ترویج و سازمان دهی دسته جمعی در سطح کل جامعه، منجمله در عرصه فعالیت های حزبی، از عمدگی برخوردار است و نه نقش نشریه. از نظر مائو تسه دون آگاهی طبقاتی از تجربه توده ها بدست می آید و نشریه این آگاهی را سریعتر می سازد. از نظر مائو تسه دون باید آموزش را در یک رابطه دیالکتیکی توده ای بیان نمود. یعنی باید در میان توده ها رفت و از طریق تجربه مبارزاتی توده ها و تحلیل طبقاتی، خط سیاسی را میان توده ها برد و توده ها را در عمل آموزش سیاسی داد. در شرایط فعلی که ما هنوز عملاً به مبارزه مسلحانه و جنگ دست نزده ایم، نشریه فقط می تواند آگاهی را تسریع نماید فعالیت ها و مبارزات تدارکی برای برپائی جنگ خلق را تا حدودی آماده سازد.

با کمال تأسف که اکثریت رفقا به شمول بعضی از رفقای کمیته مرکزی به این امر توجه ندارند. مگر رفقا نمی دانند که یکی از اشکال فعالیت های بسیار مهم مبارزاتی حزب، در شرایط کنونی بیرون دادن نشریه است؟ آیا نمی دانند که بیرون دادن نشریه نیز همانند تمامی عرصه های مبارزاتی دیگر حزب، باید در خدمت تدارک، بر پائی و پیش برد جنگ خلق قرار داشته باشد؟

در مرام نشراتی شعله جاوید دوره سوم در این مورد گفته شده است :

«این امر یک ضرورت جدی مبارزاتی است که شعله جاوید بصورت یک جریده منظم انتشار یابد. تحقق این امر مستلزم آن است که خوانندگان نشریه، به ویژه اعضا و هواداران حزب، بصورت منظم و منسجم با آن هم کاری و هم یاری داشته، مطالب و گزارش بفرستند و مکاتبه نمایند. فقط به این صورت است که شعله جاوید خواهد توانست علاوه بر طرح مباحثات عام تئوریک، از طریق تحلیل ها و افشاگری های سیاسی در مورد مسائل و وقایع مهم روزمره کشور و جهان نیز اعضای حزب و توده های پیشرو را به دیدگاه همه جانبه از جامعه و جهان مسلح سازد.» (صفحه پنجم شماره دوم

شعله جاوید - دور سوم)

در صفحه ۲۵ کمونیست شماره دوم، در مورد هم کاری و هم یاری اعضای کمیته مرکزی به نشریات حزب چنین می خوانیم:

«این هم کاری و هم یاری، قبل از همه باید توسط رفقای کمیته مرکزی صورت گیرد تا بتوانیم همه با هم در بهبود کیفیت و کمیت انتشار ارگان مرکزی حزب مان نقش بازی نمائیم. اگر این هم کاری و هم یاری صورت نگیرد و رفقا روی متن شماره های منتشر شده شعله جاوید فقط انتقاد کنند و یا این که فقط تأیید کنند و حمایت گر باشند، در واقع این نشریه به مفهوم واقعی کلمه ارگان مرکزی حزب نخواهد بود، بل که به نشریه خصوصی اعضای دفتر سیاسی حزب مبدل خواهد شد.»

متأسفانه که این هم کاری و هم یاری نه از طرف بعضی از رفقای کمیته مرکزی صورت می‌گیرد و نه از طرف اعضای حزب. البته باید متذکر شد که این هم کاری و هم یاری در مورد نشرات دموکراتیک حزب هم وجود ندارد. رفقا می‌توانند مطالب و گزارشات تهیه نموده و به شعله جاوید و نشریه دموکراتیک حزب ارسال کنند.

به همین جهت این عدم هم‌کاری وسیع رفقا با ارگان نشراتی مرکزی حزب و سایر نشرات بعد از درگذشت رفیق ضیاء، توسط دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب بارها به صورت بسیار صریح و شفاف به بحث گذاشته شد و مورد نکوهش قرار گرفته است. متأسفانه که عملاً به کار گرفته نشده است. تمامی رفقا از کمیته مرکزی گرفته تا اعضا و هواداران حزب باید در این مورد عطف توجه نموده و این حالت کرختی و بی‌حالی را به شور و شوق انقلابی تبدیل نمایند.

در شرایط کنونی تبلیغ از طریق مقالات، کتابت و اعلامیه‌ها از ویژگی خاصی برخوردار است و بر تبلیغ شفاهی امتیازاتی دارد. این بدان معنی نیست که تبلیغ شفاهی ارزشی ندارد. تبلیغات شفاهی و مکتوبی مکمل یکدیگر اند. تبلیغ شفاهی فقط برای یک تعداد از افراد صورت می‌گیرد، اما تبلیغ از طریق مقالات، اعلامیه‌ها و مجلات نه تنها که می‌توان دور افتاده‌ترین ولایات کشور را از اوضاع جاری با خبر ساخت، بلکه انعکاس جهانی نیز می‌تواند داشته باشد. شکل موثرتر تبلیغ، مقالات، اعلامیه‌ها و مجلات می‌باشد که به سرعت می‌تواند خوانندگان زیادی جلب نماید. عدم تبلیغ و ترویج یکی دیگر از جلوه‌های پاسیفیزم در حزب است.

تبلیغ سیاسی همواره خصلت طبقاتی دارد و سلاحی است برای مبارزه بین طبقات و احزاب سیاسی. برای همین ملحوظ است که نیروهای ارتجاعی برای تثبیت نگهداشتن حاکمیت شان پول‌های گزافی به مصرف می‌رسانند تا ذهنیت توده‌ها را از مسیر اصلی مبارزات انقلابی منحرف سازند. تبلیغ، گسترش دادن یک ایده است که توده‌ها را به حرکت در می‌آورد. تبلیغ پیوند تنگاتنگ با ترویج دارد.

فیصله: تمام کمیته‌های منطقه‌ای، اعضا و هواداران حزب مکلف‌اند در تقویت و گسترش فعالیت‌های نشراتی سهم فعال و مستمر بگیرند. رفقا باید با تهیه و ارسال مقالات، گزارش‌ها و تحلیل‌های سیاسی، در بهبود کیفیت و کمیت نشرات، به‌ویژه ارگان مرکزی حزب، همکاری نمایند. کمیته‌های منطقه‌ای مکلف‌اند موانع موجود را شناسایی و رفع نموده و گزارش پیشرفت کار را به کمیته مرکزی ارائه نمایند.

۶ - درمورد مسئله زنان:

در جامعه مستعمره - نیمه فئودالی افغانستان به خصوص بعد از به قدرت رسیدن دوباره طالبان توسط اشغالگران امریکایی تبعیضات و تعصبات شدیدی در حق زنان تا سرحد آوارگی جنسیتی از درون خانواده تا گستره جامعه اعمال می‌گردد. ما به خوبی آگاهیم که زنان نیمی از آسمان اند. بدون جلب و جذب و آموزش و پرورش و شرکت زنان در انقلاب هیچ انقلابی نمی‌تواند به پیروزی رسد. برای پیشبرد اهداف والای انسانی و تطبیق اصولی اساسنامه و برنامه خویش باید اولاً توجه بیشتری به امر آموزش و پرورش زنان و به خصوص زنان و دختران خانواده خود و در قدم دوم زنان و دختران مرتبط به بخش دموکراتیک معطوف داشت. از این طریق است که می‌توان افراد مستعد را جلب و جذب نمود و افراد حاضر و آماده به تقبل مسئولیت را تربیه کرد و این یگانه راهی است که می‌توان به بسیج و گسترش درمیان زنان پرداخت.

از زمانی که طبقات پا به عرصه وجود گذاشت در طول این دوران تاریخی (بردگی، فئودالی و سرمایه داری) ستم بر زن ادامه یافته که نه تنها محیط خانواده، بلکه گستره وسیع اجتماعی را نیز در بر گرفته است.

در افغانستان کنونی تمام حقوق انسانی از زنان سلب گردیده است و در حقیقت امارت اسلامی افغانستان زنان را از تمام عرصه‌های اجتماعی حذف نموده است. این ستم آن قدر گسترده است که حتی دامن زنان اشراف را نیز گرفته است. بنابر این امروز زنان با گوشت و پوست خود این ستم را حس می‌کنند. همین ستم مضاعف بر زنان است که آن‌ها را وادار به عکس العمل در مقابل امارت اسلامی نموده است. گرچه زنان به خوبی از عواقب عکس العمل خود در مقابل طالبان با خبر اند، با آن هم در گوشه و کنار کشور گاه و بی‌گاه دست به اعتراض می‌زنند. همه به خوبی می‌دانیم که امروز کار در میان زنان نسبت به رژیم پوشالی کرسی - غنی ساده تر است و زنان را بهتر می‌توانیم در کارهای دموکراتیک جذب نماییم. در چنین شرایطی ما باید برای بسیج و سازماندهی زنان بیش از گذشته کوشا باشیم. این کار را نه تنها به خاطر الزامات عمومی مبارزات انقلابی باید به پیش ببریم، بلکه به طور مشخص به خاطر مبارزه علیه شئونیزم مرد سالارانه‌ای که خود در نهاد داریم، باید از مبارزات آزادیخواهانه زنان حمایت و پشتیبانی نموده و در جهت تقویت و اعتلای این مبارزات بکوشیم. در برنامه حزب چنین می‌خوانیم:

« ستم بر زنان توسط ایدیولوژی، فرهنگ و عنعنات ارتجاعی حاکم، تقدیس و تعمیل می گردد... ستم بر زنان باعث پدید آمدن تضاد میان زنان و مردان بطور عموم می شود. مردان از این که در موقعیت برتر نسبت به زنان قرار دارند، مجموعاً از این موقعیت نفع می برند. در واقع نظام ارتجاعی حاکم این امتیاز را به همه مردان می دهد که بر زنان مسلط باشند. به همین جهت مردان کلاً آغشته به سموم شئونیزم مردسالارانه هستند. حتی مردان متعلق به قشرهای به اصطلاح مدرن جامعه، در مورد مسأله زنان، افکار، و گفتار و کردار به شدت فئودالی دارند.»

آیا این مبحث برنامه حزب مستقیماً ما را نشانه نمی گیرد؟ آیا از ویژگی ها و خصوصیات که درین بحث آمده ما برخوردار نیستیم؟ چرا! ما باید اعتراف نمائیم که در زمینه کار میان زنان غفلت نموده ایم.

باید رک و صریح گفت تا زمانی که خود را از قید و بندهای مناسبات کهنه فئودالی آزاد نسازیم، جهت گیری انقلابی ما بسیار ضعیف خواهد بود. کسانی که نمی توانند زنان و دختران خود را به دنبال خود بکشانند و وارد سیاست انقلابی نمایند چطور می تواند در زمینه های سیاسی موفقانه کار و پیکار نمایند. این ها بطور مطلق در جریان مبارزه از خود تزلزل نشان می دهند، زیرا مناسبات کهنه فئودالی و بخصوص در مورد مسئله فامیلی دست و پای شان را زنجیر نموده و امکان حرکت را از ایشان سلب نموده است.

باید تلاش نمائیم تا این شئونیزم جنسیتی را در اذهان خود و بقیه کسانی که ادعای انقلابی دارند در هم شکنیم، در غیر این صورت گسترش فعالیت سیاسی انقلابی به خصوص در میان زنان غیر ممکن خواهد بود.

علت این که کار در میان زنان به صورت نامنظم صورت می گیرد، همانا دیدگاه شئونیزم جنسیتی حاکم است که بر افکار بسیاری از رفقای ما تأثیر گذاشته است. همین امر سبب شده که ما تا کنون نتوانستیم یک کادر فعال حزبی زن برای تقبل مسئولیت رهبری عملی تربیه نمائیم. علت عدم پیشرفت کار در میان زنان در همین امر نهفته است. ما در پلنوم قبلی فیصله نمودیم و در جلسات دفتر سیاسی نیز روی آن تأکید نمودیم که:

«ضمناً یاد آوری می کنیم که آن عده از رفقای زن که در گذشته در خط انقلابی قرار داشتند و فعلاً نظر به هر دلایلی از کار انقلابی فاصله گرفته اند (به شرطی که منحرف نشده باشند) با آن هاتماس بر قرار نمایند و به جلب و جذب شان بپردازند.

به دلیل ساختار شدیداً سنتی و قبیله ای افغانستان، به خصوص در دوره امارت اسلامی افغانستان تماس گرفتن با زنان بسیار حساس و جنجال بر انگیز است. رفقا باید جداً متوجه این مسأله باشند و با در نظر داشت این شرایط باید جداً برای رفع این مشکل حرکت نمایند. اما در خارج از کشور شرایط متفاوت است و رفقا به آسانی می توانند با زنان تماس برقرار نمایند.»

رفقا به خوبی می دانند که هدف این نیست که فقط به زنانی که در گذشته به کار انقلابی فعال بودند تماس بر قرار نمایند و به دیگر زنان عطف توجه نکنند. ما باید در سطح جامعه با تمام زنان پیش رو که علاقه به کار انقلابی دارند رابطه بر قرار کنیم، البته باید ساختار شدیداً سنتی و قبیله ای کشور را و به خصوص شرایط کنونی را نیز در نظر داشته باشیم.

برای این که بتوانیم مبارزه منظمی را بر علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان امپریالیست شان راه اندازیم، در گام نخست به انضباط آهنین حزبی نیازمندیم. در گام های بعدی ضروری است که پیوند فشرده رهبری جمعی با مسئولیت فردی و تقسیم وظایف را در عمل پیاده نمائیم و از این طریق مشی سیاسی حزب را در میان توده ها اعم از زنان و مردان برده و توده یی بسازیم. پیش برد مسایل فوق الذکر نیازمند فداکاری رفقا است. باید این فداکاری را با جان و دل پذیرا شویم.

فیصله: تمام کمیته های منطقه ای و رفقا مکلف اند کار در میان زنان را به صورت منظم و پیگیرانه گسترش دهند، زمینه آموزش و پرورش سیاسی زنان، جلب و جذب زنان پیشرو و تربیه کادرهای زن را فراهم سازند. رفقا باید با مبارزه جدی علیه شئونیزم مردسالارانه و مناسبات کهنه فئودالی، از مبارزات آزادی خواهانه زنان حمایت نموده و با رعایت شرایط حساس کشور، روابط خود را با زنان علاقه مند به مبارزات دموکراتیک و انقلابی گسترش دهند. کمیته های منطقه ای مکلف اند با تقویت انضباط حزبی، تقسیم مسئولیت ها و پیگیری عملی وظایف، پیشرفت کار و موانع موجود را به کمیته مرکزی گزارش دهند.

۱. رفقا باید جداً تلاش نمایند ضعف گسترش تشکیلاتی را از میان بردارند و حتی الامکان با توده‌ها روابط عمیق برقرار نمایند. به تمامی رفقا توصیه می‌گردد تا معرفت سیاسی خود را بالا برند، اما باید توجه نمایند که آموخته را در عمل پیاده نمایند. یعنی تئوری را با پراتیک تلفیق دهند.
 ۲. باید در هر شرایطی انتقاد و انتقاد از خود را به کار برد. انتقاد باید روشن و مستند باشد و در وقت مناسب مطرح گردد و به طرف مقابل فرصت صحبت نیز داده شود. هر رفیق باید با جرأت اشتباهات خود را مطرح نماید و یا اگر کدام رفیقی اشتباهش را مطرح می‌کند با روحیه باز و انقلابی آن را بپذیرد. نباید به خاطر رفاقت از اشتباهات چشم پوشی گردد. رفقا باید توجه داشته باشند که انتقاد باید به منظور اصلاح باشد. در انتقاد باید از برخورد خشن و زشت گویی جداً پرهیز گردد. پشت سر افراد نباید انتقاد صورت گیرد، انتقاد باید در جلسه پیش روی رفیق مطرح گردد و پیرامون آن صحبت شود، و با هر عملی که منجر به بی حالی و کرختی می‌گردد و یا می‌خواهد از مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی در درون حزب جلو گیری نماید، باید جداً مبارزه شود، در غیر این صورت پاسیفیزم و لیبرالیزم در درون صفوف غلبه خواهد نمود.
 ۳. برای این که بتوانیم به نحو احسنی مبارزات خود را پیش ببریم، باید که **سبک کار خود را اصلاح کنیم**. کار و فعالیت‌های گذشته را دقیقاً مرور نمائیم، جنبه‌های منفی را طرد و جنبه‌های مثبت آن را تکامل دهیم. در غیر این صورت نمی‌توان از استحکام تشکیلاتی، مبارزه با پاسیفیزم، لیبرالیزم و ارتباط با توده‌ها و پیوند نظریه و عمل صحبت کرد.
 ۴. همان طوری که بیان گردید باید به رهبری جمعی و مسئولیت فردی و تقسیم کار توجه جدی نمائیم. هر رفیق مکلف است که در ساحه صلاحیت و مسئولیت خود کار و پیکار نماید و آن را به طور احسن انجام دهد.
- هر گاه کمیته‌های مناطق بتوانند رهنمودهای فوق الذکر را دقیقاً به کار برند، با صراحت می‌توان گفت که کمیته‌ها به تدریج می‌توانند بر بی حالی و کرختی غلبه نمایند.
- در پایان جلسه پلنوم ششم، بار دیگر از بازگشت رفیق جرئت تمجید به عمل آمده و تامین وحدت اصولی تمامی مائونیست‌های کشور در حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان بخاطر پاسخ گوئی مناسب و بر وقت به چالش‌های مبارزاتی اساسی را نیاز عاجل مبارزاتی و ضرورت انصراف ناپذیر کنونی دانسته و تاکید به عمل آمد که با طرد هر نوع سکتاریزم به منافع عمومی جنبش مائونیستی و منافع علیای کشور و مردم کشور در شرایط کنونی باید توجه ویژه را مبذول داشت و در مسیر وحدت و یکپارچگی کل جنبش باید حرکت نمود.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

۲۵ میزان ۱۴۰۵ هـ ش

۱۷ - اکتوبر ۲۰۲۶ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com